

واکاوی نقش جنگ های امرای نظامی در روند اختلافات درون خاندانی و فروپاشی حکومت سلجوقی

مهرداد رونقی^۱

جواد سخا^۲

مسعود محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

چکیده

واکاوی جنگ های امرای نظامی در روند فروپاشی حکومت سلجوقی از موضوعات مهم تاریخ سلجوقیان می باشد. قبایل ترک سلجوقی نواحی وسیعی از کاشغر تا دریای مدیترانه را زیر سیطره خود درآوردند؛ اما در پی بروز یک سلسله رویدادهای داخلی و خارجی به تدریج، عظمت و اقتدار اولیه خود را از دست دادند و در نهایت اتحادیه آنان فروپاشید. در فروپاشی این سلسله مقتدر و با عظمت، عوامل زیادی نقش داشتند، اما از میان همه ی این عوامل؛ مهم ترین آن تأثیر جنگ های امرای نظامی در روند اختلافات درون خاندانی و فروپاشی سلسله سلجوقی بود که از اهمیت دوچندانی برخوردار است. با وجود این، تاکنون در این زمینه تحقیقی مستقل، جامع و مانعی صورت نگرفته است. لذا این پژوهش با درک این مطلب، تلاش دارد تا بر اساس اسناد و مدارک باقیمانده و بر اساس شیوه پژوهش های تاریخی به واکاوی جنگ های امرای نظامی در روند اختلافات درون خاندانی و نقش آنان در فروپاشی حکومت سلجوقی بپردازد.

کلیدواژه ها: سلجوقیان، فروپاشی، ترکمنان، امرای نظامی، صحراگردان.

^۱ - دانشجوی دکتری، تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، ابهر (Mehrdadronaghi202020@gmail.com)

^۲ - استادیار، گروه تاریخ، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، ابهر (javadsakha@yahoo.com)

^۳ - استادیار، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران (Masood.mohammadi93@yahoo.com)

11 مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

یکی از دوران برجسته تاریخ ایران بعد از اسلام، دوره‌ی حکمرانی سلاطین سلجوقی بر ایران می‌باشد. سلجوقیان صحرانوردانی ترک بودند که در آن سوی جیحون زندگی می‌کردند. ساختار سیاسی قبایل، بر اساس نظام قبیله‌ای و صحراگردی بود. در این نظام اعضای قبیله، بر اساس ضرورت و پیمانهای قبیله‌ای از رئیس قبیله اطاعت می‌کردند؛ اما با ورود به ایران، فتح خراسان و نواحی مجاور و با توجه به درک اقتضائات زمانی و شرایط مکانی، به تغییر ساختار از صحراگردی به حکومت متمرکز، با صبغه‌ی مدنی پی بردند و با در اختیار گرفتن دیوان‌سالاران برجسته‌ی ایرانی توانستند، به قدرت و شوکت عظیمی برسند. از سوی دیگر، آنان با برکناری امرای آل‌بویه، بر دستگاه خلافت عباسی استیلا یافتند و به تدریج در سراسر ایران و نواحی سوریه و آناتولی پراکنده شدند، به‌طوری که ظهور سلاجقه در تاریخ اسلام، یکی از بزرگ‌ترین حوادث و به‌منزله‌ی شروع دوره جدیدی است. در واقع نبرد دندانقان، نقطه‌ی عطفی در تاریخ سلجوقیان به شمار می‌آید، چون که پس از آن ترکان سلجوقی توانستند به موقعیت ممتازی برسند، دیوانسالاری گسترده، نظام اقطاع و اقطاع‌داری، نهاد اتابکی و مرزهای طولانی از ماورای سیحون تا کناره‌ی دریای مدیترانه، همه و همه اوج عظمت این سلسله را نمایان می‌سازد.

طغرل بیک، آل‌ارسلان و ملک‌شاه بر تمام سرزمین‌ها فتح شده، با اقتدار، عظمت و شوکت حکومت می‌کردند؛ اما پس از مرگ ملک‌شاه، کشمکش بر سر جانشینی و تأثیر آن بر بی‌اعتبار شدن وزارت، بی‌کفایتی و سن پایین سلاطین پس از ملک‌شاه، استمرار جنگ‌های خانگی بین غلام-سپه‌سالاران و مدعیان قدرت و اختلافات میان سلاطین سلجوقی و خلیفه، در مجموع جنگ‌های داخلی (اختلافات درون خاندانی) و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی سلاطین، جنگ‌های خارجی، قدرت‌گیری بیش‌ازحد امرای سلجوقی و اقطاع‌داران، نفوذ فوق‌العاده اتابکان در دستگاه و سوءاستفاده‌های آنان، هجوم بی‌رویه

ترکمانان به داخل قلمرو سلجوقی، همه و همه موجبات پربشانی و بی‌نظمی را در نظام سلسله‌ی حکومتی سلجوقیان فراهم ساخت و باعث فروپاشی و درنهایت زوال سلسله‌ی سلجوقیان بزرگ شد (Bulliet, 1978: 35-56; Cahen, 1948: 5-67; Durand-Guédy, 2005: 203-283; Lambton, 1968: 205-225). در این پژوهش به یکی از عوامل ضعف و در نهایت فروپاشی این سلسله یعنی واکاوی نقش امرای نظامی در روند زوال و اختلافات درون خاندانی سلسله سلجوقی می‌پردازیم.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجایی که سلجوقیان یکی از قدرتمندترین سلسله‌ها در تاریخ ایران بعد از اسلام در گستره‌ی جغرافیایی ایران می‌باشند، بنابراین پرداختن به عامل فروپاشی آن به‌ویژه «نقش جنگ‌های امرای نظامی» که موضوع این پژوهش می‌باشد و از آنجا که این عامل مهم از نگاه مورخان مغفول مانده و کمتر موردتوجه قرار گرفته است از اهمیت دوچندانی برخوردار است. بیشتر پژوهشگران و اندیشمندان هنگام اشاره به عوامل فروپاشی سلسله سلجوقی به اختلافات درون خاندانی، سیاست‌های اتخاذشده از سوی سلاطین و سرانجام، درگیری‌ها و جنگ‌های خارجی، درگیری بر سر جانشینی شاهان سلجوقی، نحوه زمام داری سلاطین سلجوقی، قدرت‌یابی بیش‌ازحد امرای نظامی، قدرت‌یابی وزرای نامدار سلجوقی و مواردی از این دست اشاره دارند و یکی از مهم‌ترین عامل فروپاشی سلسله سلجوقیان یعنی؛ واکاوی نقش و تأثیر جنگ‌های امرای نظامی در روند فروپاشی و اختلافات درون خاندانی سلسله سلجوقی می‌انگارد؛ بنابراین این پژوهش از این منظر دارای اهمیت می‌باشد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

درباره عوامل و دلایل فروپاشی سلسله سلجوقی پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها، «اصلاحات و بی‌ثباتی سیاسی در دوره‌ی سلجوقی» از اسماعیل حسن زاده می‌باشد که در آن به مواردی از بی‌ثباتی در سلسله سلجوقی اشاره دارد. همین نویسنده در پژوهشی دیگر «تحلیل انتقادی روایت‌های واقعه یورش غز به خراسان (سال ۵۴۸ ق)» به پیامدهای یورش غزها به خراسان اشاره دارد. مقاله امامی خوئی نیز تحت عنوان «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام» می‌باشد که در آن اشاراتی نیز به مهاجرت سلجوقیان داشته است.

محسن رحمتی نیز در پژوهشی «پیامدهای اجتماعی مهاجرت سلجوقیان به خراسان (۴۱۶-۴۳۳ ق/ ۱۰۴۱-۱۰۲۵ م)» به پیامدهای اجتماعی هجوم ترکمنان سلجوقی به شهر پرداخته است، اما همان‌طور که از عنوان پژوهش مشخص است تنها به پیامدهای اجتماعی آن در شهر خراسان اشاره کرده است. همچنین پایان‌نامه‌ای نیز تحت عنوان «سلجوقیان در عصر سلطان سنجر» در دانشگاه فردوسی توسط سعادت‌فر به نگارش درآمده که در فصل‌هایی ابتدایی آن به مهاجرت ترکمنان به ایران اشاراتی شده است؛ اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها و موارد مشابه انجام شده به واکاوی نقش و تأثیر جنگ‌های امرای نظامی در روند زوال و اختلافات درون خاندانی سلسله سلجوقی پرداخته نشده است.

۲- بحث

۲-۱. خاستگاه ترکمنان و ورود آنان به سرزمین ایران‌شهر

موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک سرزمین پهناور ایران، چه از نظر اقلیمی و طبیعی و چه از نظر ثروت، فرهنگ و آداب و رسوم، هموار مأمّن و پایگاه مطمئن، برای بسیاری از اقوام و گروه‌های مهاجم

بوده است و در گزارش‌های تاریخی مورخان به تکرار ثبت شده است. با انقراض شاهنشاهی ساسانی، اقوام بسیاری از سرحدات مرزهای هم‌جوار به داخل ایران‌شهر وارد شدند: Pourshariati, 2009: 96-99; 123, 161, 240; sebeos, 1999: 96-99). مشهورترین این اقوام عبارت بودند از؛ عشایر عرب، عشایر کرد عشایر ترکمان؛ که تمامی آنان بیابان‌گرد و خوی ایلی و رسم‌های قبیله‌ای داشتند. از بین سه قوم ذکرشده، اقوام ترکمان، بیشتر از دیگران به سرزمین ایران وارد شده و توانسته‌اند برای خود، جایگاه مطمئن و پایگاهی امن فراهم سازند، حتی قادر شدند حکومت‌های قدرتمندی را شکل دهند. اگر به‌درستی ورود آنان را دریابیم، خواهیم یافت که ورود آنان به ایران از چند دهه قبل از هجوم سلجوقیان غز شروع و تا دوران تیموریان ادامه داشته است. گروهی از آنان پس از ورود به ایران، به آسیای صغیر، شام (سوریه) رهسپار شدند و به همراه سلسله‌های آق و قراقویونلوها و صفویه سرانجام به شرق بازگشتند.

اینان که در استپ‌های آسیای میانه و در شرق به تدریج ساکن شدند با گذشت زمان مورد توجه سلاطین غزنوی و بعداً سلجوقی قرار گرفتند. آنان نیز به این امر راضی بودند چون که مأمّن امن برای خود فراهم می‌ساختند. سلاطین نیز، سعی نمودند؛ از اینان در اهداف خود استفاده نمایند، یکی از هدف‌های سلاطین از جذب این افراد این بود که بتوانند به راحتی از توان و احشام و به‌خصوص اسب‌های تندرو آنان بهره‌مند شوند. دومین هدف سلاطین این بود که؛ از این نیروها به عنوان نیروهای سواره‌نظام و جنگجوی چابک در جنگ‌ها استفاده نمایند و همین امر زمینه قدرت‌گیری امرا و درنهایت تجزیه سلجوقیان را از همان ابتدا به همراه داشت.

۳-۲- تأثیر جنگ‌های امرای نظامی در روند فروپاشی سلسله سلجوقی از ابتدای

تاسیس حکومت

رویداد مهم سال ۳۷۵ هـ ق یعنی سالی که سلطان محمود غزنوی طی یک حرکت نظامی و حساب شده که به ماوراءالنهر رفته بود را ذکر کرد او در این منطقه، به قبایلی از ترکمانان که اشتغال به دامداری داشتند، برخورد کرد. وی به‌خوبی دریافت که می‌تواند؛ از احشام و نیروی نظامی آنان بهره‌مند شود. سپس به آنان اجازه داد تا به خراسان وارد شوند. ترکمانان به خراسان وارد شده و در حدود نسا و ابیورد ساکن شدند (آقسرای، ۱۳۶۲: ۱۳). این ترکمانان به سرپرستی روسای خود به نامهای یغمر، بوقا و کوکتابش تا حوالی ری پراکنده شدند. ایجاد مزاحمت و مداخله آن‌ها با روستائینان همچنین اقدام آن‌ها به غارت و چپاول اموال مردم، بیشتر اوقات فکر حکام را به خود مشغول کرده بود (Bosworth, 1962a: 215-218; Bosworth, 1965: 15-21; Bosworth, 1968: 128, 235). در سال ۴۲۱ هـ ق چون با فوت سلطان محمود غزنوی، بین فرزندانش سلطان محمد و سلطان مسعود بر سر جانشینی اختلاف افتاد. ترکمانان با چپاول، غارت و راهزنی خراسان را آشفته کردند. یک سال بعد، به دربار سلطان مسعود غزنوی خبر رسید که؛ پسران یغمر ترکمان که تاش فراش سپاه‌سالار عراق دستور قتل او را صادر کرده بود، قصد دارند تا انتقام پدر خود را از مسلمانان بگیرند. سلطان مسعود چند تن از فرماندهان خویش را مأمور تحقیق در امور آن‌ها کرد (بیهقی، ۱۳۷۳: ۵۰۸). اقدام سلطان به تنبیه ترکمانان باعث شد؛ تا ترکمانان به‌تلافی عملکرد سلطان مسعود سرزمین خراسان را دستخوش نهب و غارت قرار دهد. در سال ۴۲۶ هـ ق سلطان مسعود، هنگامی که در شهرهای شمال ایران مشغول حل‌وفصل امور بود، به وی اطلاع دادند که عده زیادی از ترکمانان به همراه امرای خود که سودای مملکت‌گیری دارند از آب عبور کرده‌اند (همان، ۶۹۳). از این زمان تا نبرد دندانقان ۴۳۱ هـ ق که حاکمیت سلجوقیان بر خراسان مسلم شد (Grousset,

(2002: 147; Bosworth, 1965: 16-21)، کلیه شهرها و روستاهای خراسان دچار ویرانی، قحطی و مرگومیر شدند. به خصوص، با کوتاه شدن دست سلطان مسعود غزنوی از خراسان دامنه قتل و غارت آن‌ها به دیگر شهرهای ایران نیز سرایت کرد. به طوری که گروهی از ترکمانان تحت رهبری امیر احمد بن ظاهر جمع شدند و دست به غارت و چپاول سیستان زدند که در نهایت امیر ابوالفضل تنها با استمداد طلبیدن از سلطان سلجوقی (طغرل) توانست آن‌ها را از سیستان دفع کند (تاریخ سیستان، ۱/۱۳۸۱: ۳۶۵) و در نهایت امرای سلجوقیان توانستند قدرت را به دست بگیرند.

سلاطین سلجوقی پس از ملک‌شاه ناگزیر بودند تا در برابر رقبای خود یعنی اتابکان و خلفای عباسی، سیاست‌های خاصی را اتخاذ نمایند تا بتوانند با خیال آسوده به سلطانی بپردازند. یکی از سیاست‌های سلاطین سلجوقی، ایجاد سپاه و تأمین امنیت بود. آنان با این اقدام، می‌خواستند سد دفاعی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، امرا و اتابکان تشنه قدرت، ایجاد نمایند. از سوی دیگر ترس و وحشت را در وجود خلفا بیاندازند. به دلایلی که ذکر شد، سلاطین سلجوقی خود را تجهیز به سلاح و ادوات جنگی و نیروهای زبده رزمی کردند. بر این اساس بود که سلاطین پس از ملک‌شاه سلجوقی درصدد آمدند تا ادامه‌دهنده‌ی سیاست سه سلطان نخستین سلسله سلجوقی گردند و ارتش ثابت و موقت را در دستگاه حکومتی خودسامان بخشند. اگرچه تأمین و مخارج این سپاهیان سنگین بود، لیک آنان باتجربه‌ای که از خلفای عباسی، از گذشته‌ها گرفته بودند، عمل نمودند و رسم اقطاع و اقطاع‌داری را به‌عنوان تأمین‌کننده مخارج در نظر گرفتند. اگرچه بعدها از همین ناحیه، یعنی؛ مقطعان و اقطاع‌داران ضربه مهلکی بر پیکره‌ی حکومتی سلجوقی وارد آمد، که در بحث اقطاع به‌طور کامل به شرح آن پرداخته‌ایم.

اهمیت دادن به این موضوع، یعنی؛ تأمین و تأسیس سپاه کارآمد و توانا را می‌توان، در نیمه دوم پادشاهی سلطان طغرل به‌وضوح مشاهده کرد. سپاهی ثابت و موقت که از ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و از نژادهای متفاوت سازمان‌دهی شده بود، موجبات تنفر و بدبینی ترکان را پدیدآورد؛ زیرا

هسته‌ی تشکیل‌دهنده‌ی سپاه سلجوقی را غلامان_ سپهسالاران ترک، ارمنی، یونانی، کرد، قفقازی، دیلمی، عرب و حتی برخی از سپاهان شکل می دادند، که تأمین مخارج آنها را، امرای خراج گذار عرب، کرد، ایرانی در عراق و کردستان و ولایات ساحلی دریای خزر و سیستان و غیره تکمیل و تأمین می کردند و توسط طغرل سازماندهی می شدند.

در سپاه ثابت، هسته ای از غلامان یا افواج برده وجود داشت و بقیه مزدور بودند. هر دو گروه یعنی ثابت و موقت از ملیت های گوناگون اعم از؛ ترکان، ارامنه، یونانی ها، اعراب و اسلاو ها بودند (بویل، ۱۳۶۶/۵: ۸۳). خواجه نظام الملک در سیاست نامه، به استخدام دیلمیان، خراسانیان، گرجیان و کردان شبانکاره سفارش می کند (نظام الملک، ۱۳۶۴: ۱۰۲). این سپاه معمولاً در تختگاه سلطان مستقر بود و امرای آن مستقیماً تحت امر پادشاه بودند. بنابر گفته راوندی: «شمار سواران که همواره ملازم رکاب بودند، چهل و شش هزار تن بود» (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۳۱). یکی از عوامل قدرتمندی امرای نظامی شکل گیری دیوان سپاه بود. ورود غلام سپهسالاران، به عرصه سیاست با شکل گیری سپاه ثابت فراهم شد. سلجوقیان در ابتدا به سپاه قبیله ای اتکا داشتند. چنین سپاهی، ساختاری غیرمتمرکز داشت، چراکه امرای ترک پس از پایان جنگ، هر یک به منطقه تحت حکومت خویش باز می گشتند و گاهی با شورش های خود می توانستند پایه های حکومتی سلجوقیان را ضعیف کنند (یوسفی فر، ۱۳۸۳: ۶۳۳).

۴-۲ جنگ های امرای سلجوقی و دسته بندی آنان

نیروهای نظامی عصر سلجوقیان از ماهیتی دوگانه برخوردار بودند که شامل جامعه یکجانشین با جامعه کوچ رو بودند. به عبارتی دیگر، گرایش امرای نظامی به سوی مرکز گرایی یا مرکز گریزی در ساختار سیاسی، نظامی دستگاه حکومتی سلجوقیان به چشم می آمد. از سویی، دفاع از حریم قلمرو،

حفظ قدرت سیاسی، دفع تهدیدات و همچنین استمرار و نفوذ قدرتمندانه دو تفکر در ترکیب سیاسی نظامی امرای نظامی یکی بر مبنای کوچ رو و دیگری بر مبنای یکجانشینی و در کل قرار گرفتن در یک نظام متشکل تحت عنوان نهاد دیوان سالاری و اطاعت از آن جهت نظم یابی هرچه بیشتر و در نهایت با در اختیار گرفتن ابزار قدرت و رسیدن به هدف، سامان دهی شدند و تحت امر امیران قرار گرفتند. امرا نیز با توجه به وظایف به چند دسته تقسیم شدند؛ مانند: ۱. امرای درباری یا درگاه ۲. امرای اقطاع دار ۳. امرای سرگردان یا آواره ۴. امرای میان دست

امرای مقیم دربار یا درگاه

امرای نظامی دوره سلجوقیان که در دربار سلاطین حضور داشتند (لمبتن، ۱۳۶۳: ۳۲). مناصب درباری را به عهده می گرفتند (انوری، ۱۳۵۵: ۲۰). آنان باتوجه به حضور در دربار و اعمال نفوذ از طریق مناصبی که در دربار می گرفتند، و همچنین نزدیکی به سلطان از اهمیت خاصی برخوردار بودند که گاه مورد توجه دیگر امرا نیز قرار می گرفت و باعث کشمکش هایی از طریق دسیسه و توطئه علیه یکدیگر برای کسب اعتماد سلطانی گردید (لمبتن، ۱۳۸۶: ۲۶۶).

در مقرر حکومتی سلطان مقام ها و مناصب گوناگونی چون؛ سالار غلامان، حاجب بزرگ و غیره به عنوان کانون قدرت محسوب می گردید که در خدمت سلطان سلجوقی بودند. این امرا به عنوان صاحبان قدرت در نظام تصمیم گیری و حکومت سلجوقی از طریق مناصب و مقام هایی که به دست می آوردند، نقش مهم بر عهده داشتند. لمبتن اشاره دارد که این امرا در دربار سلطان سلجوقی حاضر بودند و اداره تشکیلات روزانه دربار و سپاه را برعهده می گرفتند، این وظایف در ارتباط با خدمت به سلطان سلجوقی در قالب مناصبی چون آخور سالار و جامعه دار و غیره بود که امور روزانه مربوط به سلطان را انجام می دادند (لمبتن، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

امرای اقطاع دار

در مورد امرای اقطاع دار که با هدف رفع نیاز مالی شکل گرفت. در واقع نظام اقطاع در ابتدا بنا به نیاز موجود جهت چرخش امور مالی به وجود آمده بود (بویل، ۱۳۸۱: ۲۲۶). واگذاری اقطاع به عنوان امتیاز بهره برداری از منابع مالی آن اقطاع، برای عناصر درباری یا امرای نظامی (همچون واگذاری ایالت خوارزم به طشت دار سلطان و همچنین اقطاع به عنوان بخشش به افراد مورد توجه سلطان و همچنین اقطاع های پراکنده که نظام الملک در شهر های مختلف برای تامین ملزومات لشکرکشی ها قرار داده بود (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۲؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۳۹) که از نمونه های واگذاری اقطاعات توسط سلاطین سلجوقی محسوب می شود. با گذر زمان امرای قدرتمند سلجوقی عهده دار آن شدند. شکل گیری سازمان غلامان و همچنین نهاد اتابکی، قدرت امرای اقطاع را افزون نمود و لذا اقطاعات التملیک به اقطاعات الاستغلال تبدیل شد.

سجادی در باب امرای اقطاع دار آورده است، تفاوت اصلی در نظام اقطاع داری عصر سلجوقی، در شکل و حدود اختیارات آن بود که منجر به نظامی یابی نوع جدیدی از اقطاع می گشت که از آن به اقطاع الاستغلال یاد می شود، که امرای سلجوقی از آن بهره مند شدند (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۴۳).

از سوی دیگر قدرت گیری پیش از حد امرای نظامی اقطاع دار و موروثی شدن اقطاع آنان ضعف حکومت مرکزی و همچنین تمایل امرای نظامی در نقش صاحبان اقطاع برای استقلال بیشتر در ترکیب با نهاد اتابکی روند جدیدی در دوران حکومت سلجوقی ایجاد می کرد که از آن به شکل گیری حکومت های مستقل در قالب حکومت های اتابکی یاد می شود (یوسفی فر، ۱۳۸۶: ۲۳۷؛ باسورث، ۱۳۷۱: ۱۷۸). از سوی دیگر نظارت بر اقطاع که پیش از ضعف حکومت مرکزی به صورت مستمر انجام می گرفت با ضعف حکومت، به کلی از نظارت حکومت مرکزی خارج شد (لمبتن، ۱۳۴۶: ۶۴).

و به این ترتیب کانون های مستقل قدرت در ساختار سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی سلسله سلجوقیان شکل گرفت، که این مهم در تقابل با گرایش مرکزیت گرایی پیشین حکومت سلجوقی بود.

با توجه به مطالب فوق، امرای اقطاع دار که در ابتدا نماینده افراد بالادست قبیله ای بودند، بر اساس نظام روابط محدود، در ایالت ها حضور داشتند. آنان به لایه های درونی ساختار اجتماعی جامعه عصر سلجوقی نفوذ کردند، که با گذر زمان و روند سیاسی و اداری به حکومت های مستقل تبدیل گشتند.

امرای سرگردان یا آواره

گروه دیگر از امرا که در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی سلجوقیان قرار گرفته بودند، امرای سرگردان یا آواره که به همراه نیروهای تحت اختیار خود گروه های پراکنده ای را شکل می دادند که با توجه به وضعیت فرودست شان، جایگاه و موقعیت مستحکمی در شکل بندی نیروی نظامی سلجوقیان نداشته اند. امرای سرگردان همراه با نیروهای تحت اختیار خود، گروه هایی بودند که در اثر از دست دادن سرکرده خود یا دلایل دیگر به امرای سرگردان معروف شده (بویل، ۱۳۸۱: ۲۲۳) که به صورت نیروهای مزدوری در آمده بودند که گاه به نیروهای امرای دیگر می پیوستند و در امور نظامی شرکت می جستند. این گروه های نظامی بیشتر نیروهای قبیله ای همچون کردان شبانکاره بودند که پیش از آن به صورت نیروهای نظامی متشکل وجود داشتند؛ آنان از لحاظ اجتماعی به علت عدم نظام یابی در ساختار سلجوقیان، در موقعیت فرودست قرار داشتند (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۲۷).

امرای میان دست

گروه دیگری از امرای نظامی در ساختار حکومت سلجوقیان قرار داشتند، که از لحاظ نظری در گروه بندی های ذکر شده فوق از امرا قرار نمی گرفتند. بلکه آنان از لحاظ پایگاه اجتماعی در ارتباط با لایه های گوناگون اجتماعی قرار می گرفتند. شکل یابی قدرت این عناصر در تشکیلات ساختاری سلجوقیان متکی به تقسیم قدرت در ایالت ها، برای اداره امور مبتنی بر جدایی امور نظامی از حاکم کشور قرار داشت. در دیوان حکمرانی، نهادی برای اداره حکومت که در آن بخشی مربوط به امور قلمرو ها وجود داشت (ماوردی، ۱۳۸۳: ۴۰۷).

۳- درگیری امرا برای تسلط بر دو نهاد سلطنت و وزارت

نیروهای ترکمان، ترجیح می دادند به جای تبعیت همه جانبه از یک فرد و شخص خاص، در یک وضعیت سیال به سر برده و در خدمت منافع و موجودیت قبیله ای خود و تبعیت از سران قبیله ای باشند. بی شک برای امرا و رؤسای قبایل ترکمان، تبعیت از یک مقام سیاسی بلامنازع و انحصارطلب چون مقام پادشاهی امری دشوار و غیر قابل تصور بود، چرا که آنها از هویت و تشکیلات و نظم سیاسی مبتنی بر نظام پادشاهی درکی نداشتند و ترجیح می دادند مطابق هویت قبیله ای شان در خدمت منافع قبیله ای باشند. در واقع بین خاستگاه هویت و ارزش های قبیله ای ترکمانان و نظم و ارزش های نظام پادشاهی نیازمند قوای نظامی ثابت و حاضر در صحنه بود. کلوزنر می گوید در کنار حاکم کشور یک نفر حاکم نظامی یا شحنة قرار داشت که امور انتظامی شهر را بر عهده می گرفت (کلوزنر، ۱۳۸۱: ۳۱).

این حاکمان نظامی رفته رفته در تقابل با جهت گیری های سیاسی و اجتماعی موجود به صورت حاکمان بلامنازع شهرها در می آمدند (لمبتن، ۱۳۶۳: ۵۱). به این ترتیب امرا روند جدیدی را در درون ساختار حکومتی سلجوقیان شکل دادند که منجر به شکل گیری کانون مستقل قدرت شدند و ارتباط با لایحه های اجتماعی پیدا نمودند و منصب شحنگی نیز موقعیتی را در اختیار امرا قرار داد، که آنان

از آن برای رسیدن به وضعیتی مستقل استفاده کردند و کانون قدرت مجزا در خود ایجاد نمودند. طوری که هر کدام از امرا در جایگاه مخصوص به خود قرار گرفتند و منافع خود را دنبال کردند و برای رسیدن به این اهداف سعی نمودند به سلطان و وزیر و دیگر عوامل دربار نزدیک شوند. آنها با شکل گیری سازمان غلامان و قرار گرفتن در کنار نهاد اتابکی و اقطاع داری به مقام های سیاسی اجتماعی دست یافتند.

از سوی دیگر، سازمان غلامان که در جهت تثبیت و تمرکز امور به دست شخص سلطان و به دنبال سپاه ثابت ایجاد گردیده بود، به عنوان عامل تحکیم قدرت سلجوقیان در آمدند. آنان پس از مدتی، با درایت نهاد دیوان سالاری و تأیید سلطان، از ساختار نیروهای قبیله ای و کوچ رو و تمرکز گریز به سوی سپاه ثابت و پس از آن تحت عنوان سازمان غلامان و در نهایت در کنار نهادهایی چون اتابکی و اقطاع داری و تمرکز یابی و قدرتمندی مطلق و خودکامه رسیدند. به طوریکه در اصطلاحات آن دوره نیز تحولی رخ دهد و اصطلاح ملک که پیش از آن برای شاهدادگان سلجوقی استفاده می شد، برای امرا نیز استفاده گردد (لمبتن، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

با توجه به اینکه، عناصر اولیه شکل دهنده حکومت سلجوقیان، عنصر نظامی ترکمانان بودند و آنان بر پایه قبیله ای و آداب و رسوم ایلی و کوچ رو و تمرکز گریز بودند که بعدها پس از مستقل شدن و قدرت یابی به صورت یکجا نشینی و تمرکز گرا در آمدند. سلجوقیان برای ساماندهی این نیروها و دادن مخارج آنان نیازمند تشکیلاتی شدند که بتوانند جوابگوی تامین مخارج سپاه شوند، لذا با تاسیس سپاه ثابت به هدف رسیدند. سپاه ثابت از طریق نهاد دیوان سالاری و به خصوص دیوان جیش یا سپاه با پرداخت مواجب ثابت تقویت می گردید، که گاه به صورت نقدی و گاه به صورت حواله و اعطای اقطاع صورت می گرفت. این امرا در اندک مدت به جایگاه والای قدرتی رسیدند و از نخبگان قدرتمند نظامی در آمدند. با گذر زمان، دخالت های آنان در تمامی ابعاد سیاسی، نظامی، اجتماعی و

اقتصادی نمایان شد و با قدرت ایجاد شده و تمرکز یافته و تصمیمات مرکزی در بسیاری از موارد جبهه گیری علیه حکام مرکزی نمودند، چرا که به استقلال و خودکامگی مطلق رسیده بودند و از اصول اولیه و عهد و پیمان خود فاصله گرفتند (لمبتن، ۱۳۶۱: ۳۷).

بروز چنین چالش های تنش را با بروز اختلافات درون خاندانی مواجه گشت و این مهم شکاف عمیق در کانون مرکزی سلجوقیان ایجاد کرد که در نهایت در کنار دیگر عوامل موجبات تزلزل و فروپاشی بزرگترین امپراطوری تاریخ میانه ایران را رقم زد. با توجه به اینکه، سپاه ثابت از اواخر حکومت طغرل پدید آمد و به دنبال آن سپاهی از غلامان و مزدوران از ملیت های مختلف ترک، ارمنی، یونانی، کرد و قفقازی شکل گرفت. غلام سپهسالاران بعدها به سبب اقطاع داری توانستند به قدرت سیاسی و اقتصادی برسند، به خصوص پس از مرگ سلطان ملکشاه و بروز بحران و اختلافات درون خاندانی، امرای نظامی نیز با ایجاد چالشهای تنش را بر بحرانها افزودند و موجبات تزلزل حکومت مرکزی را پدید آوردند. پس از مرگ خواجه نظام الملک طوسی و ملکشاه، قشر نوپدید امیر غلامان در ساختار دولت سلجوقی، منشا تحولات مهمی شدند و به تدریج بر دو نهاد، سلطنت و وزارت مسلط شدند (نظام الملک، ۱۳۷۱: ۱۲۲).

آنان با ادغام اختیارات نظامی و قدرت اقتصادی (اقطاع) به یک قشر قدرتمند زمین دار و حاکم تبدیل شدند. حذف ترکمانان از ساختار نظامی حکومت سلجوقی و حذف حکام محلی عرب، کرد و دیلم و اگذاری مناصب نظامی ترکمانان، املاک و قلمرو حکومت های محلی به عنوان اقطاع، موجب ظهور اشرافیت قدرتمند نظامی شد. دولت سلجوقی تا دوره سلطان ملکشاه به صورت تمام عیار متکی به قوای نظامی ترکمانان بود. ترکمانان قبل از آن که حرفه و پیشه آنها جنگ و جنگاوری باشد، متکی بر دامداری بودند و شیوه معیشت کوچ گردی و مهارت توانایی های خاص در جنگ و حملات تهاجمی و تدافعی بودند. پیروزی سلجوقیان در عرصه جنگ و نبرد و استقرار نظام سیاسی سلجوقیان همواره

مدیون مهارت و نبوغ نظامی قوای قبیله ای ترکمانان بود. البته از آنجا که، دفاع از سرزمین و رعایا در هنگام جنگ، از وظایف سلطان سلجوقی بود، سه سلطان نخستین سلجوقی، ارتش را خود رهبری می کردند. این روند پس از مرگ ملکشاه و جلوس شاهزادگان به تخت ادامه داشت اما در نتیجه پیوندهای بین سلطان و ارتش از هم گسست و سربازان هرچه بیشتر وابسته به فرماندهان بلافصل خود شدند. از اینها گذشته، حسادتها و نزاع های امراء و جنگ های آنان باعث شد تا از کارایی ارتش به عنوان یک نیروی جنگنده در اواخر دوره سلجوقی کاسته شود و در نتیجه حکومت سلجوقی بر اثر نبردهای امرا با یکدیگر از هم پاشیده شود (لمبتون، ۱۳۶۳: ۶۵).

نتیجه گیری

نیروهای ترکمن، پیش از آن که تابع سلاطین سلجوقی باشند، تابع سران و رؤسای قبایل و طوایف خود بودند. آنان قبل از آن که حرفه و پیشه آنها جنگ و جنگاوری باشد، متکی بر دامداری بودند و شیوه معیشت کوچ گردی داشتند و در جنگ و حملات تهاجمی و تدافعی مهارت و توانایی خاصی داشتند. پیروزی سلجوقیان در عرصه جنگ و نبرد و استقرار نظام سیاسی سلجوقیان همواره مدیون مهارت و نبوغ نظامی قوای قبیله ای ترکمانان بود. هرچند قوای نظامی ترکمانان در ابتدای ورود، هزینه های مالی اندکی به حکومت تحمیل می کردند. اما برای تشکیل یک پادشاهی متمرکز و قدرتمند، نخست نامناسب و نامطمئن بودند، چرا که ترکمانان اساساً با اندیشه تبعیت تمام عیار و انحصاری از حکومت فردی و پادشاهی بر اساس سنت های ایرانی بیگانه بودند. در نتیجه با گذشت زمان، سلاطینی به قدرت رسیدند، که شایستگی و توانایی لازم را نداشتند و آلت دست امرای قدرتمند قرار گرفته بودند به همین جهت، قدرت گیری امرا را می توان یکی از عوامل مهم در فروپاشی سلسله سلجوقی دانست.

برخی از سلاطین خرد سال بودند و از جانب خویش هیچ اراده و اختیاری نداشتند و برخی دیگر بسیار نالایق، که دچار فساد اخلاقی بودند و مداوم به شرابخواری و خوشگذرانی می پرداختند و در تصمیم گیریهای سیاسی و امور کشوری بسیار ضعیف بودند. در نتیجه تصمیم گیرنده ی اصلی حکومت، امراء محلی، سپهسالاران نظامی، اتابکان و مقطعان بودند. آنانی که در لوای یک شاهزاده، اعلام استقلال و خود مختاری کامل بر ایالت تحت نفوذ خود را پیدا کرده بودند با درگیری و نبرد با یکدیگر در روند زوال حکومت سلسله سلجوقی نقش به سزایی را ایفا کردند.



کتابنامه

ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، (۱۳۸۳). **العبر**. جلد چهارم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن اثیر، عزالدین ابواسحاق. (۱۳۵۲). **الکامل فی التاریخ**. ترجمه‌ی عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت. تهران: انتشارات علمی.

امامی خوئی، محمدتقی. (۱۳۸۴). «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام». **فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)**. سال پانزدهم. شماره ۵۳. صص ۴۶-۶۰.

نوری، حسن، (۱۳۵۵). **اصلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی**، تهران: کتابخانه طهوری.

باسورث، (۱۳۷۱). **سلسله اسلامی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

بنداری اصفهانی، محمد. (۱۳۵۶). **تاریخ سلسله‌ی سلجوقی (زبدۃ النصر و نخبۃ العصر)**. ترجمه‌ی محمدحسین جلیلی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

بویل، جی. آ. (۱۳۸۱). «**تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان**». تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان (پژوهشی از دانشگاه کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

-----، (۱۳۶۶). «**تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان**». تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانیان)، ترجمه حسن انوشه، جلد پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

بی‌نا، (۱۳۸۱). **تاریخ سیستان**، تصحیح محمد تقی بهار، جلد اول. تهران: انتشارات معین.

بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۷۳). **تاریخ بیهقی**، ترجمه خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات مهتاب.

حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۸۶). «اصلاحات و بی‌ثباتی سیاسی در دوره‌ی سلجوقی». **مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**. دوره دوم. شماره پنجاهم. صص ۱۷-۴۳.

حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۹۱). «تحلیل انتقادی روایت‌های واقعه یورش غز به خراسان (سال ۵۴۸ق)». **مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ**. سال سوم، شماره ۵ دوازدهم، صص ۵۱-۲۵.

رحمتی، محسن. (۱۳۹۰). «پیامدهای اجتماعی مهاجرت سلجوقیان به خراسان (۴۳۳-۴۱۶ق/ ۱۰۲۵-۱۰۴۱م)». **تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**. سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۴۱-۶۱.

سجادی، صادق، (۱۳۷۹). «**اقطاع**» **دایرة المعارف بزرگ اسلام**، ج ۹، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. سعادتفر، براتعلی (۱۳۷۷). «**سلجوقیان در عصر سلطان سنجر**». دانشگاه فردوسی مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد.

طوسی، خواجه نظام الملک، (۱۳۶۴). **سیاست نامه (سیر الملوک)**، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات سپهر، تهران.

کلوزنر، کارلا، (۱۳۸۱). **دیوان سالاری در عهد سلجوقی**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

لمبتن، آن.کی.اس، (۱۳۴۶). «تکامل نظام اقطاع در ایران قرون وسطی»، ترجمه عطاالله نوریان، **نگین**، شماره ۳۴، صص ۶۰-۸۶.

لمبتن، آن.کی.اس، (۱۳۸۶). **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات نشر نی.

لمبتون، (۱۳۶۳). **سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ماوردی، ابوالحسن، (۱۳۸۳). **آیین حکمرانی، الاحکام السلطانیة**، ترجمه حسین صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۹). **تاریخ گزیده**، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نظام الملوک طوسی، **سیاست نامه**، (۱۳۸۳). به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: علمی فرهنگی.

نیشابوری، ظهیرالدین، (۱۳۳۲). **سلجوق نامه**، تهران: کلاله خاور.

یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۶). «سازمان سپاه در اردوی سلجوقیان بزرگ ایران»، **نخستین همایش ملی ایران شناسی (مجموعه مقالات)**، جلد تاریخ و جغرافیای تاریخی تهران: بنیاد ایران شناسی.

- Bosworth, C. E. (1962a). "The Titulature of the Early Ghaznavids"
Oriens, Vol. 15, pp. 210-233.

- Bosworth, C. E. (1965). "Notes on the Pre-Ghaznavid History of Eastern Afghanistan," *Islamic Quarterly*, pp. 16-21.
- Bosworth, C. E. (1968). "The Early Ghaznavids," in *Camb. Hist. Iran IV*, pp. 162-97.
- Bulliet, Richard, (1978). "**Local Politics in Eastern Iran under the Ghaznavids and Seljuks**," *Iranian Studies* 11, pp: 35-56.
- Cahen, Claude, (1948). "**La première pénétration turque en Asie Mineure (seconde moitié du XIe s.)**," *Byzantion* 18, pp: 5-67.
- Durand-Guédy, David, (2005). "**Un fragment inédit de la chronique des Salġūqides de 'Imād al-Dīn al-Iṣfahānī: le chapitre sur Tāġ al-Mulk**," *Annales Islamologiques* 39, pp: 205-22.
- Grousset, Rene, (2002). ***The Empire of the Steppes: A History of Central Asia***, Rutgers University press.
- Lambton, A. K. S. (1968). "**The Internal Structure of the Saljuq Empire**," in *Cambridge History of Iran V: The Saljuq and Mongol Periods*, ed. John A. Boyle, Cambridge, pp: 203-82.
- Pourshariati, Parvaneh. (2009). **Decline and fall of the sasanian empire**. New York: I. B. Tauris& Co Ltd.
- Seboes, (1999), **The Armenian History Attributed to Sebeos**, Translated by with notes by Robert.

Analyzing the role of military commanders' wars in the process of internal family disputes and the collapse of the Seljuk government

Abstract

Analyzing the wars of military commanders in the process of collapse of Seljuk government is one of the important topics of Seljuk history. Turkish Seljuk tribes brought vast areas from Kashgar to the Mediterranean Sea under their imperial control; However, following a series of internal and external events, they gradually lost their initial greatness and authority and finally their union collapsed. Many factors played a role in the collapse of this powerful and great dynasty, but among all these factors; The most important of which was the effect of the wars of military rulers on the process of internal family disputes and the collapse of the Seljuk dynasty, which is of double importance. Despite this, there has been no independent, comprehensive and unobstructed research in this field. Therefore, with the understanding of this matter, this research tries to analyze the wars of military commanders in the process of internal family disputes and their role in the collapse of the Seljuk government based on the remaining documents and documents and based on the method of historical research.

Keywords: Seljuqs, collapse, Turkmens, military commanders, deserters.